Shaere.ir

«**خلسه**»

مرا به "خلسه میبرد حضور" چون شراب تو

شنیده ای پریشم و دوباره دل خراب تو؟

مسافرم که میکند خیال آب چشمه را

به تشنگی دچارم از همیشه ی سراب تو

شدم به فکر چاره ای که سنگ باشم و ولی

فلک نشانده ام چنین به زیر آسیاب تو

گناه من اگر تویی بهشت را سزا شوم

که عمر من گذشته در جهنم عذاب تو

در این خروش سرکش توهم شبانه ام

چو موج بی امانی و منم فقط حباب تو

به بسترم نظر کن و بگیرم از جهان خود

که طاقتی نمانده از سکوت و اجتناب تو

حیای چشم عاشقم ندارد از لبت حذر

شهید بوسه ام کند ندای انقلاب تو

جنایتی رقم بزن بکش مرا به تیر خود

چه خوش اگر بمیرم از سلاح و ارتکاب تو

ستاره فرخی نژاد [1]

[1] شعر از ستاره فرخی نژاد،سایت shaere.ir